

تحلیل فقهی - حقوقی مسئولیت ناشی از اخفاء بیماری کووید ۱۹ در پرتو قانون مسئولیت مدنی

احسان سامانی

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

Esamani63@lihu.usb.ac.ir

مصطفی اربابی مجاز

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان

Dr.mostafaarbabi@theo.usb.ac.ir

چکیده

بیماری کووید ۱۹ که ناشی از ویروسی جدید و جهشیافته از طیف ویروسهای کروناست، جهان را گرفتار خود نموده است و خسارات جانی و اقتصادی قابل توجهی به کشورها وارد نموده است. این ویروس که دارای قدرت شیوع قابل توجهی است، روز به روز بر تعداد افراد گرفتار بدان و نیز قربانیان آن افزوده می‌شود. از آنجا که بیماری کووید ۱۹، از نوع بیماریهای واگیردار و مسری است و به راحتی و سهولت از شخص مورد ابتلاء، به دیگر افراد سرایت می‌کند، این سؤال مطرح می‌شود که چنانچه فرد مبتلا به بیماری کووید ۱۹، علی رغم مشاهده علائم اولیه، بیماری خود را مخفی کند و بدون رعایت نکات بهداشتی با شخص یا اشخاص سالمی ارتباط برقرار کند و موجب سرایت این بیماری به آنها شود، و در اثر این سرایت، خسارات جانی و مالی به شخص قربانی، وارد شود، آیا می‌توان او را مسئول این خسارات دانست؟ در صورتی که مسئولیت او ثابت گردد، گستره این مسئولیت تا کجاست؟ به نظر میرسد با توجه به قواعد فقهی تحذیر، اتلاف، تسبیب و لاضرر، و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی شخص مخفی‌کننده بیماری، چون سبب ورود خسارت جانی و یا مالی به شخص قربانی است، نسبت به

جبران خسارت مسئولیت دارد. همچنین گستره این مسئولیت با توجه به ادله فقهی، خسارات عدم النفع، تقویت منافع، خسارات معنوی و نیز خسارات از کارافتادگی را شامل می‌شود.

واژگان کلیدی: بیماری کووید، قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت مدنی، اخفاء بیماری، جبران خسارات.

کرونا و ویروس مدت قابل توجهی است که همچون کابوسی، تمامی کشورها را درگیر خود نموده است. این ویروس که نخستین بار در اواخر دسامبر ۲۰۱۹ میلادی در ووهان چین پیدا شد، طیف وسیعی از بیماری‌های تنفسی مانند سرماخوردگی، سارس، آنفلانزا و مرس را شامل می‌شود. تا کنون، ۶ نمونه از خانواده کرونا ویروس کشف شده است و با شیوع این گونه جدید در شهر ووهان چین، تعداد ویروس‌های شناخته شده از این خانواده به ۷ عدد رسید.

با توجه به قدرت بالای شیوع این نوع کرونا ویروس، هر لحظه بر تعداد مبتلایان و قربانیان آن افزوده می‌شود. مدتی است که ویروس فوق به کشور ما نیز وارد و روز به روز بر تعداد افراد مبتلا بدن افزوده می‌شود. دانشمندان سراسر دنیا همزمان با شیوع این بیماری تلاش خود را برای پیدا کردن درمان قطعی یا واکسن این بیماری آغاز کردند. باین حال تنها راه موجود برای مبارزه با این بیماری، رعایت یک سری نکات پیشگیرانه همچون رعایت پروتکل‌های فاصله گذاری اجتماعی، استراحت و قرنطینه در صورت ابتلا به این بیماری است. از آنجا که این بیماری از نوع بیماری‌های واگیردار است و از طریق اشخاص مبتلا به دیگر افراد منتقل می‌شود این سؤال مطرح می‌شود که چنانچه فردی ابتلایش به این بیماری را -که نسبت به بیماری‌های واگیردار دیگر با قدرت و سهولت بیشتری به دیگران منتقل می‌شود- مخفی کند و با ارتباط گرفتن با فرد یا افرادی سالم، باعث انتقال این بیماری به آنها شود و از این طریق خسارات مالی و جانی به آنان وارد سازد، آیا از نظر فقهی و حقوقی نسبت به این خسارات مسئولیت دارد؟ در فرض مسئولیت، دامنه و گستره این مسئولیت تا کجاست؟ آیا خسارات مازاد بر دیه، عدم النفع و ازکارافتادگی هم قابل مطالبه است؟ پس از تعریف برخی اصطلاحات، با توجه به قاعده تحذیر، تسبیب، اتلاف و لاضرر، به تحلیل و تبیین این مسأله خواهیم پرداخت.

۱- کرونا ویروس و بیماری کووید ۱۹

کرونا^۱ در لغت به معنای تاج و هاله است (حق شناس، ۱۳۸۷، ص ۲۶۱) و از آنجا که این ویروس زیر میکروسکوپ، به شکل تاج سلطنتی است، به این اسم، نامیده شده است. ویروس کرونا، ویروسی عفونی است که گلو، سینوس ها و دستگاه تنفسی را درگیر می کند. کرونا ویروس ها، اولین بار در سال ۱۹۶۵ کشف شده اند. پیش از بیماری کووید ۱۹، خطرناک ترین بیماری دارای منشأ کرونا ویروس، بیماری سارس بود که از خاورمیانه شروع شد و پیشرفت قابل توجهی داشت و قربانیان بی شماری گرفت.

کرونا ویروس ها، طیف وسیعی از ویروس ها - از سرماخوردگی معمولی که ساده ترین نوع آن است تا بیماری کووید ۱۹ که پیچیده ترین و پیشرفته ترین نوع آن است - را در برمی گیرد. این نوع خطرناک از ویروس کرونا که مدتی است دنیا را به حالت اضطرار در آورده، دارای سرعت انتقال بسیار بالایی است و ظرف چند ماه، به تمامی کشورهای جهان ورود پیدا کرده به گونه ای که در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ (۲۱ اسفند ۱۳۹۸)، سازمان بهداشت جهانی، بیماری کووید ۱۹ را پاندمی^۲؛ به معنای یک بیماری دنیاگیر اعلام کرد که متأسفانه تاکنون میلیون ها نفر را گرفتار خود نموده و چند میلیون نفر را به کام مرگ کشانده است و هر روز نیز بر تعداد افراد مبتلا به این بیماری و قربانیان آن افزوده می شود. یکی از بارزترین ویژگی های این ویروس، جهش یافتن مداوم آن است. حضور یک نفر بیمار مبتلا به کووید - ۱۹ در فضایی بسته می تواند تمام افراد حاضر در آن فضا را مبتلا کند.

۲- مفهوم مسئولیت

واژه «مسئولیت»، مصدر صناعی از کلمه مسئول و به معنای ضمانت، تعهد و مؤاخذه می باشد. مسئولیت چیزی با کسی بودن، به معنای به گردن و در عهده او و در ضمان او بودن می باشد. مسئولیت داشتن یعنی متعهد و موظف بودن. (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۲، ۱۸۴۶) به عبارت دیگر مسئولیت یعنی آنچه انسان عهده دار و موظف به انجام آن

1. corona
 2. Pandémie

می‌باشد. (معین، ۱۳۷۱، ۳، ۴۰۷۷) در اصطلاح حقوقی نیز این واژه به معنای لزوم پاسخگویی شخص در قبال اعمال خود می‌باشد. چنانچه این پاسخگویی در پیشگاه خداوند یا در نزد وجدان صورت گیرد، مسئولیت حاصل از آن مسئولیت اخلاقی است، و چنانچه این مسئولیت در برابر حقوق موضوعه تحقق یابد، مسئولیتی که با آن مواجه هستیم، مسئولیت حقوقی است (طاهری، ۱۴۱۸، ۲، ۲۱۳). مسئولیت حقوقی نیز به مسئولیت جزایی و مسئولیت مدنی تقسیم می‌گردد. مسئولیت کیفری وقتی تحقق پیدا می‌کند که شخص مرتکب یکی از جرایمی شده باشد که به طور صریح در قانون ذکر گردیده است. (لوراسا، ۱۳۷۵، ۳۰) در حقیقت در این نوع از مسئولیت، جامعه برای حفظ صلح و امنیت خود و جلوگیری و ممانعت از اقدام مجدد شخص خطاکار نسبت به انجام چنین اعمال زیان‌باری، و نیز بازدارندگی دیگر آحاد جامعه از ارتکاب چنین اعمالی، از طریق اجرای مجازات، از خود دفاع می‌نماید. (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۱، ۱۰۸؛ وحدتی شبیری و سامانی، ۱۳۹۵، ش ۱۴، ۱۲۸)

مسئولیت مدنی در معنای خاص خود، تنها بر مسئولیت غیرقراردادی اطلاق می‌شود. (رهپیک، ۱۳۹۰، ۲۲) اما مسئولیت مدنی در مفهوم کلی آن به معنای مسئولیت جبران خسارات ناشی از رفتارهای زیان‌بار می‌باشد. (امیری قائم مقامی، ۱۳۸۵، ۳۱۲) به بیانی دیگر عبارت است از تعهد و الزامی که شخص نسبت به جبران زیان وارده به دیگری دارد (یزدانیان، ۱۳۸۶، ۴۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱، ۳۴)، اعم از آنکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱، ۱۹۶؛ حسینی نژاد، ۱۳۷۷، ۱۳) و این مسئولیت زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه زند و بر اثر آن زیانی به او وارد آید (امامی، ۱۳۵۲، ۹) البته برای تحقق مسئولیت مدنی، باید سه رکن ضرر، فعل زیان‌بار، و رابطه سببیت بین فعل و ضرر وجود داشته باشد. (ایزنلو، کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۴۵، کاتوزیان، ۱۳۶۹، ۱۵۰)

البته شایان ذکر است که در این نوشتار، مجال پرداختن به همه ابعاد مسئولیت ناشی از سرایت بیماری کووید ۱۹ نبوده و با عنایت به اینکه مقتضیات ایجاد مسئولیت

کیفری نیازمند ورود به بحث عنصر معنوی و اثبات وجود سوءنیت عام یا سوءنیت خاص در مرتکب فعل زیانبار می‌باشد و نیز با توجه به اینکه آسیب ناشی از سرایت این بیماری غالباً از نوع جنایات علیه تمامیت جسمانی شخص محسوب می‌گردد نیازمند ورود به مقوله ی اثبات عمد یا خطای جزائی مرتکب می‌باشد که نیازمند تقریر پژوهشی مجزاست. فرضی که نگارندگان این نوشتار بنای بر بحث و بررسی پیرامون آن دارند در حالتی است که فرد بدون تعمد و خطای جزایی و بدون وجود سوء نیت عام یا خاص، به جهت اخفای بیماری کووید ۱۹ باعث سرایت بیماری مذکور به فرد یا افراد سالمی شده است که با آنها ارتباط برقرار نموده است و نهایتاً منجر به ورود خسارات جانی و مالی به آنها شده است. به عنوان مثال فرد بیمار صرفاً به علت طرد نشدن از حضور در جمعی اقدام به اخفای این بیماری نموده است.

۳- تبیین مبانی فقهی - حقوقی

در ذیل به بررسی مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی شخص مخفی کننده بیماری کووید ۱۹، نسبت به خسارت دیدگان می‌پردازیم.

الف: قاعده تحذیر

یکی از قواعدی که فقها و حقوقدانان در مباحث مربوط به مسئولیت افراد نسبت به اعمال و افعالشان بدان پرداخته‌اند قاعده تحذیر (هشدار) است. براساس این قاعده، اگر کسی قبل از انجام دادن کاری، به افراد آسیب‌پذیر و در معرض خطر، به نحو مقتضی هشدار دهد ولی شنونده به هشدار او توجه نکند و در اثر انجام آن کار، خسارتی - اعم از جانی یا مالی - به فرد وارد شود، هشدار دهنده، معذور بوده و تحت شرایطی، فاقد مسئولیت مدنی و کیفری است، (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱، ۱۶۳)، زیرا این خسارت ناشی از تقصیر و عدم توجه خود فرد خسارت‌دیده است. با توجه به مفهوم این قاعده، چنانچه شخصی بدون هشدار به افراد آسیب‌پذیر، فعل زیان‌باری انجام دهد و در اثر آن فعل، به فرد یا افرادی، خسارت وارد شود، انجام دهنده فعل زیان‌بار، مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود. بنابراین طبق قاعده مذکور، چون فرد مخفی کننده بیماری کووید ۱۹، با علم به اینکه بیمار است و با علم به اینکه این بیماری به

سهولت به افراد پیرامون او سرایت می‌کند، بیماری خود را مخفی می‌کند و بدون رعایت نکات بهداشتی، مرتکب حضور مخاطره آمیز در مجامع و اماکن عمومی می‌شود و به افراد در معرض خطر نیز هشدار در این خصوص نمی‌دهد، مسئول خسارات وارده - اعم از جانی و مالی - خواهد بود.

مبنای اعتبار قاعده تحذیر، در کنار شهرت عملی، قاعده تسبیب و بنای عقلاء، روایتی است که امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین (ع) نقل نمودند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۷، ۲۹۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰، ۲۰۷) طبق این روایت، در زمان حضرت علی علیه السلام، در حین بازی تعدادی بچه با فلاخن، پرتاب فلاخن توسط یکی از بچه‌ها و اصابت آن به صورت دیگری، موجب شکستن دندان او شد. طرفین دعوا، موضوع را نزد حضرت امیر علیه السلام مطرح نمودند و خسارت‌زننده در مقام دفاع از خود، برای اثبات اینکه قبل از اقدام، -با گفتن حذار- هشدار داده است بینه و شاهد اقامه نمود. حضرت امیر علیه السلام، حکم به تبرئه خسارت‌زننده نموده و فرمودند: «قد اعذر من حذر». (صدوق، ۱۴۱۳، ۴، ۱۰۳) روایت فوق علاوه بر نقل آن توسط افرادی بسیار معتبر (محمد بن یعقوب کلینی، محمد بن حسن طوسی و محمد بن علی بن بابویه) و وجود محمد بن فضیل از راویان معتبر در سلسله سندش، دارای پشتوانه شهرت عملی فقهاست. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲، ۲۳۹) لذا روایت از لحاظ سندی یک روایت معتبر و قابل اعتماد است. از لحاظ دلالت نیز هرچند روایت در خصوص یک موضوع خاص - ورود خسارت در اثر پرتاب فلاخن در حین بازی - است اما در این قضیه امام علی علیه السلام برای اثبات حکم خود، به یک امر کلی (قَدْ أَعَذَرَ مَنْ حَذَرَ: هشدار دهنده، معذور و بدون مسئولیت است) استناد می‌کنند. بنابراین اگرچه این حکم در خصوص قضیه خاص صادر شده است اما حکم مذکور با توجه به دلیل و تعلیل عام و کلی آن، یک قاعده فقهی بوده و قابل تسری به موارد مشابه خواهد بود. همانند واقعه ثمره بن جندب که حضرت رسول صلی الله علیه و آله، در خصوص آن موضوع خاص، حکم خود را به تعلیل عام «لاضرر و لا ضرار» مستند نمود و این تعلیل، مبنای قاعده لاضرر شد. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲، ۲۴۱)

البته قاعده مذکور منوط به وجود برخی شرایط بوده و با وجود تمامی آن شرایط، موجب تبرئه و عدم مسئولیت عامل خسارت می‌شود و فقدان هرکدام از آن شرایط، مانع از اجرای این قاعده خواهد شد. نخستین شرط این است که هشدار به نحو مؤثر و در حد متعارف صادر شده باشد. ثانیاً اعلام هشدار به اطلاع خسارت دیده رسیده باشد و عللی همچون ناشنوا بودن و... مانع از اطلاع او نبوده باشند. (عاملی، ۱۴۱۰، ۱۰، ۱۲۰؛ حائری، بی تا، ۲، ۵۱۷) ثالثاً بین زمان اطلاع و انجام عمل مخاطره آمیز، مدت زمان کافی فاصله باشد تا امکان فرار برای خسارت دیده وجود داشته باشد. (عاملی، ۱۴۱۳، ۱۵، ۳۴۱) بنابراین چنانچه مخاطب زمان کافی برای گریز از صحنه خطر نداشته باشد؛ و یا توانایی و قدرت جسمی لازم را برای دور شدن از صحنه خطر نداشته باشد؛ و یا شرایط محیط و اوضاع و احوال صحنه خطر، اجازه دور شدن را از محل خطر به مخاطب ندهد، عامل خسارت، مسئول خواهد بود و هشدار او رافع مسئولیتش نخواهد بود. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲، ۲۴۳)

این قاعده، مبنا و ملاک بسیاری از مواد قانونی است از جمله ماده ۴ قانون ایمنی راهها و راه آهن که ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایل نقلیه غیر مجاز و عبور دادن دام در بزرگراه و همچنین توقف وسایل مذکور در خطوط عبور را ممنوع دانسته و مقرر می‌دارد «هرگاه به جهات مذکور، حادثه‌ای واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت». همچنین تبصره ماده ۸ از قانون الحاق ۱۰ تبصره به قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مقرر داشته است: «.... عابر پیاده مکلف است فقط از محل‌های مخصوص عابر پیاده عبور کند؛ در غیر این صورت اگر تصادفی بین وسیله نقلیه و عابر پیاده واقع شود مسئولیت جزایی متوجه راننده نخواهد بود و راننده آزاد خواهد شد». همانگونه که روشن است قانونگذار در تدوین مقررات مذکور عملاً قاعده تحذیر را به کار بسته است. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱، ۱۶۷)

اجرای این قاعده در حقوق کامن لا نیز به چشم می‌خورد. در کشور انگلستان در دو نفر به نامهای Kassidy و Right که اواسط قرن بیستم در یک کارخانه

لاستیک‌سازی مشغول به کار بودند در اثر دارویی به نام «NONOX-S» که شرکتی به نام صنایع شیمیایی سلطنتی به کارخانه لاستیک‌سازی تا سال ۱۹۴۹ میلادی تحویل می‌داد، به بیماری سرطان مثانه مبتلا شدند. با شکایت افراد آسیب دیده، دادگاه استیناف انگلستان، به دلیل اطلاع شرکت صنایع شیمیایی از سرطان‌زا بودن دارو و عدم گزارش آن به کارخانه لاستیک‌سازی در اثر بی احتیاطی، آن شرکت را محکوم به پرداخت خسارت نمود. (بجنوردی، ۱۶۹، ۱۴۰۱) همانگونه که روشن است ملاک دادگاه استیناف در رأی صادر، قاعده تحذیر و عدم هشدار مناسب شرکت نسبت به خطرات دارو است.

اعتبار قاعده مذکور در حقوق بین الملل عمومی نیز آشکار است. به عنوان مثال یکی از وظایف شناخته‌شده دولتها در مقابل بیگانگان مجاز به اقامت در کشور، حمایت از آنان در مقاطع خاص است از جمله تکالیف دولتها، اخطار قبلی به نمایندگان سیاسی و بیگانگان مجاز به اقامت، مبنی بر ترک کشور به لحاظ بروز جنگ یا آشوبهای داخلی یا به هنگام تشنجات بین المللی می‌باشد که در صورت اخطار و ابلاغ آن، مسئولیتی از جهت بروز هرگونه واقعه به عهده کشور هشداردهنده نمی‌باشد اما در غیر این صورت -یعنی چنانچه دولت نسبت به اعلام هشدار به بیگانگان اقدام ننماید- مسئولیت خسارات جانی و مالی به عهده کشور مذکور خواهد بود. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳، ۴۲۰)

در موضوع نوشتار نیز از آنجا که شخص مبتلا به بیماری کووید ۱۹، ورود او به یک جمع معین از افراد سالم -به دلیل قدرت و سهولت تسری این ویروس به افراد پیرامون بیمار- یک عمل مخاطره‌آمیز است این عمل مشمول قاعده تحذیر خواهد بود بدین معنا که چنانچه با وجود شرایط مذکور در بالا، شخص مبتلا به کرونا ویروس در آن جمع حاضر شود و با رعایت تمامی شرایط، موجب ورود خسارت به دیگری شود، طبق قاعده تحذیر هیچ مسئولیتی نسبت به جبران خسارت وارده نخواهد داشت اما چنانچه شرط یا شرایطی را رعایت نکند، طبق مفهوم قاعده تحذیر، مسئول جبران خسارت‌های وارده به افراد خواهد بود. همانگونه که قبلاً بیان شد نخستین شرط برای

اجرای قاعده تحذیر، هشدار به نحو مؤثر و در حد متعارف به افراد در معرض خطر، قبل از انجام فعل مخاطره آمیز می‌باشد و حضور فرد مبتلا به بیماری مسری کووید ۱۹ در ارتباط با فرد یا افرادی سالم، بدون اطلاع آنها و با اخفاء این بیماری، مخالف با این شرط است. گویا چنین شخصی بدون هشدار مرتکب فعل مخاطره آمیز شده است. بنابراین چنانچه در اثر این عمل غیرمحتاطانه، خسارتی به دیگری وارد شود طبق مفهوم قاعده تحذیر، مسئول خواهد بود.

ب: قاعده اتلاف

از جمله مبانی مسئولیت مدنی، قاعده اتلاف است که عبارت «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ؛ هرکس مال دیگری را تلف کند، مسئول جبران آن است» بیانگر آن است. طبق قاعده مذکور چنانچه کسی مال دیگری را تلف کرد -اعم از عین یا منفعت و اعم از این که با علم و عمد تلف کرده باشد یا در صورت جهل و غفلت- ضامن می‌باشد و باید اگر مثلی است مثل آن و اگر قیمی است قیمت آن را بپردازد. این قاعده، یک قاعده عقلایی است و همه عقلای عالم در موارد اتلاف به آن تمسک می‌کنند. (طاهری، ۱۴۱۸، ۲، ۲۴۴) «در اتلاف، شخص به طور مستقیم ایجاد کننده تلف است نه اینکه مسبب آن باشد. در تمیز مباشر از زمینه سازان تلف، بهترین معیار عرف است که مشخص می‌نماید آیا بین فعل زیانبار و تلف مال، رابطه‌ی مستقیم و بی واسطه وجود دارد یا نه؟ در تحقق اتلاف کافی است رابطه علیت بین فعل شخص و تلف مال وجود داشته باشد، لذا غیرعمدی بودن اتلاف، مانع ایجاد مسئولیت نیست و تقصیر تلف کننده از عناصر آن به شمار نمی‌رود، (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱، ۱۱۴) لذا اگر شخصی تیری رها کند و بدون قصد و تقصیر حیوانی را بکشد، ضامن است». (قربان نیا، ۱۳۷۷، ش ۱۳، ۱۳۸) قانون مدنی ایران در مواد ۳۲۸، ۳۲۹ و ۳۳۰ مسئولیت ناشی از اتلاف را بیان و به تمام اقسام مال، اعم از عین و منفعت اشاره کرده و طبق روال معمول نظر مشهور فقهاء را پذیرفته است.

با توجه به قاعده فوق، چنانچه شخص مبتلا به بیماری کووید ۱۹ با مخفی نگه داشتن بیماری خود، به طور مستقیم به دیگری خسارت وارد کند، بدین شکل که

بیماری او به دیگری سرایت نماید و بدین سبب، خسارات جانی و یا مالی به شخص وارد سازد، طبق قاعده اتلاف، مسئول جبران خسارات وارده است، و لو اینکه قصد ورود خسارت به دیگری را نداشته باشد. به عبارت دیگر در خساراتی که به طور مستقیم به دیگری وارد می‌شود، فقدان عنصر تعدد، اخلاقی در رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و خسارت وارده، ایجاد نمی‌کند و در هر صورت شخص اتلاف‌کننده، مسئولیت مدنی دارد. البته همان طور که پیش از این مطرح شد، در مسئولیت کیفری، عنصر تعدد و یا خطای جزایی مؤثر است.

ج: قاعده تسبیب

تسبیب عبارت است از هر فعل یا عملی که سبب از بین رفتن مالی شود ولی علت تامه تلف یا جزء اخیر از علت تامه تلف نباشد، بلکه به گونه‌ای باشد که اگر این فعل و کار از جانب او صادر نشود تلف و از بین رفتن مال ایجاد نمی‌شود. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱، ۱۲) در تسبیب، شخص به طور مستقیم موجب از بین رفتن مال دیگری نمی‌شود، بلکه مقدمات تلف را فراهم می‌آورد؛ یعنی کاری انجام می‌دهد که در نتیجه آن کار و به علل دیگر تلف واقع می‌شود، مثل این که چاهی در معبر عمومی می‌کند و دیگری در اثر بی‌احتیاطی در آن چاه می‌افتد؛ و یا در محلی غیر مجاز توقف می‌کند و موجب لغزش اشخاص و آسیب به دیگران می‌شود. در این مثالها مسبب به طور مستقیم مال را تلف نکرده و به دیگری زبانی نزده است، ولی عرف، ورود ضرر را منسوب به او می‌داند و به همین جهت او را مسئول می‌داند. (طاهری، ۱۴۱۸، ۲، ۳۲۲) در تسبیب، شخص مسبب، در صورتی ضامن است که تقصیر داشته باشد به عبارت دیگر، تقصیر رکن وجود ضامن است و تسبیب در صورتی ضامن‌آور است که در نظر عرف، تجاوز و عدوان باشد، ولو در شرع در زمره اعمال حرام به حساب نیاید. «پس کاری که بر خلاف قانون است یا در نظر خردمندان بیهوده و عبث شمرده می‌شود و یا سبب برانگیختن انزجار و تنفر است و در دید عرف، خلاف مروت و نوعی ظلم تلقی می‌گردد، ضامن‌آور است». (رشتی گیلانی، بی تا، ۳۱) اما اگر آن کار، عرفاً پسندیده و به نفع عموم باشد، موجب ضامن نخواهد بود، مصداق احسان است و با

توجه به آیه شریفه «ما علی المحسنین من سبیل» شخص محسن مسئولیتی نسبت به خسارت وارده ندارد زیرا قاعده احسان بر دیگر ادله حکومت دارد. (رشتی گیلانی، بی تا، ۳۲) در قانون مدنی ایران نیز مسئولیت ناشی از تسبیب پذیرفته شده است و مواد ۳۳۱ تا ۳۳۵ قانون مدنی به بیان احکام آن پرداخته است.

در فرض مسئله مورد بحث نیز فرد مبتلا به بیماری کووید ۱۹، گاه به صورت مستقیم، بیماری او به دیگری سرایت می‌کند و از این طریق خساراتی به شخص وارد می‌سازد که در این حالت مشمول قاعده اتلاف است اما گاه، ویروس او منتقل به محیط شده و سپس فرد زیان دیده به دلیل ورود در آن محیط و تماس بر قرار کردن با سطوح، ویروس به او منتقل می‌شود در این موارد شخص مخفی‌کننده بیماری، سبب سرایت بیماری کووید ۱۹ به دیگری شده است، بنابراین طبق قاعده تسبیب مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود.

د: قاعده لا ضرر

لزوم جبران ضرر غیر، قدیمی‌ترین مفهومی است که از مسئولیت مدنی به جا مانده و همه قواعد دیگر از این منبع سرچشمه گرفته است. در حقوق اسلامی نیز قاعده «لا ضرر» همین نقش را ایفا می‌کند؛ و این قاعده یکی از مشهورترین و مهمترین قواعد فقهی است به اندازه‌ای که بسیاری از فقه‌های بزرگ از گذشته دور و نزدیک در تألیفات و تقریرات خود رساله مستقلی را به آن اختصاص داده‌اند. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲، ۲۲۸). شیخ انصاری در رساله «قاعده نفی ضرر» بعد از ذکر این نکته که «مقصود از عبارت لا ضرر معنای حقیقی آن - یعنی نبودن هیچ ضرری در اسلام - نیست، زیرا بالوجدان ضرر در خارج وجود دارد، می‌گوید در خصوص مفهوم لا ضرر سه دیدگاه وجود دارد: الف: نهی از اضرار به دیگران: لذا مقصود از آن تحریم فعل زیان‌بار است. (اصفهانی، ۱۴۱۰، ۲۵) ب: نفی وجود ضرر بلاجبران: لذا تلف کردن مال دیگری بدون جبران خسارت آن، ضرری است که باید جبران شود. (نراقی، ۱۴۱۷، ۱۸) ج: نفی حکم ضرری: بدین معنا که هیچ حکمی در اسلام وضع نشده که موجب زیان بندگان خدا گردد». (انصاری، ۱۴۱۴، ۱۱۹) اگرچه شیخ انصاری دیدگاه

سوم را نظر متعین می‌داند (انصاری، ۱۴۱۴، ۱۱۹) «اما قائلین به دیدگاه دوم نیز از فقهاء بزرگ به شمار می‌آیند که به نظر این افراد می‌توان از این قاعده برای اثبات مسئولیت کسی که عامل ورود زیان بوده است، استفاده کرد. (رشتی گیلانی، بی تا، ۴) قانون اساسی در اصل ۴۰ اضرار به دیگری را ممنوع دانسته و مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». همچنین قانون مدنی اضرار به دیگری را روا ندانسته و در مواد مختلف از آثار آن سخن گفته است. به عنوان مثال در ماده ۶۹، وقفی را به علت اضرار طلبکاران واقع شده را غیرنافذ دانسته است. همچنین در ماده ۱۱۳۰، ورود ضرر به زوجه را از موارد اجبار شوهر به طلاق شمرده است. نیز مواد ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۹، ۵۹۱ و ۵۹۲..... به بیان برخی احکام اضرار پرداخته که در این مقال، مجال سخن از آن نیست. بنابراین طبق قانون و دیدگاه مشهور فقهاء، هیچکس حق ندارد به دیگری خسارت -چه جانی و چه مالی- وارد نماید و در صورت خسارت وارد نمودن، مسئول جبران خسارات وارده می‌باشد.

بنابراین شخص مبتلا به بیماری کووید ۱۹ اگرچه از حق آزادی برخوردار است و با توجه به آن حق، می‌تواند در اماکن عمومی و اجتماعات شرکت کند، اما اگر حضور او، موجب ضرر و خسارت دیگران شود به حکم اصل ۴۰ قانون اساسی حق حضور در اماکن عمومی و اجتماعات را ندارد و چنانچه با اخفاء بیماری خود و در اثر ارتباط گرفتن با فرد یا افرادی سالم، موجب ورود خسارت و ضرر به دیگران شود، مشمول قاعده لاضرر است؛ چه آنکه مفاد قاعده آن است که هیچ ضرری نباید بدون جبران بماند و در این مورد بدون تردید در اثر سرایت بیماری، خساراتی به شخصی که بیماری کووید ۱۹ به او منتقل شده، وارد شده است و عامل این خسارات نیز شخص مبتلا به بیماری کووید ۱۹ است که با اخفاء بیماری و ارتباط گرفتن با آن شخص، سبب ورود خسارت به وی شده است، بنابراین طبق قاعده لاضرر، باید خسارت وارده را جبران نماید.

۴- تبیین گستره مسئولیت

فرد مبتلا به بیماری کووید ۱۹، بعضاً برای مدت قابل توجهی درگیر این بیماری است و برای درمان هزینه‌هایی را متحمل می‌شود. همچنین به گفته دانشمندان، ممکن است آثار این بیماری مادام‌العمر در بدن بیمار باقی بماند. همچنین در موارد حاد - که این ویروس کلیه‌ها و دستگاه تنفسی فرد را درگیر می‌کند و باعث بروز مشکلات جدی برای بیمار می‌شود - ممکن است موجب ورود آسیبهای جدی به سلامت جسمی او شده و باعث از کارافتادگی او شود. از آنجا که با توجه به مبانی فقهی مطروحه - قاعده تحذیر، اتلاف، تسبیب و لاضرر - به این نتیجه رسیدیم که فرد زیان‌زننده، مسئول جبران خسارات وارده است، این سؤال مطرح می‌شود که گستره مسئولیت شخص زیان‌زننده تا کجاست و آیا تمامی خسارات احتمالی قابل مطالبه و جبران است؟ در ذیل به بررسی حکم برخی از این خسارات می‌پردازیم.

الف: خسارت ناشی از بین رفتن منافع

منافع اموال به دو دسته «منافع مستوفات» و «منافع غیرمستوفات» تقسیم می‌شوند. منافع مستوفات آن دسته از منافع است که شخص پس از تسلط بر مال دیگری از آن بهره‌مند می‌گردد، (طاهری، ۱۴۱۸، ۲، ۳۰۸) اما منافع غیر مستوفات آن دسته از منافع ممکن‌الحصولی است که شخص متصرف با تسلط بر آن مال، مانع بهره‌برداری مالک از آن شده و خود نیز از آن بهره‌مند نشده است. «به عبارت دیگر هر مال عینی دارای منفعی است که معمولاً در ارزش‌گذاری مال به آن منافع توجه می‌شود و این منافع به تدریج از اعیان اموال حاصل می‌شود بدون اینکه از عین مال به گونه‌ای محسوس کاسته شود. حال اگر کسی بر مالی مستولی شود و از این منافع بهره‌برداری کند، به آن منافع مستوفات گفته می‌شود و چنانچه از آن منافع بهره‌برداری نکند به آن منافع غیر مستوفات می‌گویند». (لطفی، ۱۳۹۳، ۲۲۶) مثل اینکه ماشینی را غصب کند و در مدت غصب، از منافع ماشین آن استفاده هم نکند بلکه آن را در منزل خود پارک کند. اما مقصود از تفویت منافع یعنی اینکه شخص، مانع انتفاع مالک از مال خود شود بدون اینکه خود نفع ببرد، که در این صورت متصرف عدوانی ضامن منافع از دست رفته می‌باشد». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۲۲۲)

تفاوت منافع مستوفات با عدم النفع در این است که از منافع مستوفات استفاده شده است اما در عدم النفع استفاده ای از اموال صورت نگرفته است. اما عدم النفع و منافع غیر مستوفات اگرچه هر دو در اینکه استفاده ای از آنها نشده، مشترک هستند ولی منافع مستوفات ناظر به گذشته است در حالی که عدم النفع غالباً ناظر به آینده است. البته عدم النفع کارکردهای دیگری نیز دارد که ارتباطی با بهره بردن از اعیان اموال ندارد. مثلاً محروم کردن شخص از کار کردن، موجب خسارت عدم النفع می شود ولی در اصطلاح به آن منفعت غیر مستوفات گفته نمی شود. (لطفی، ۱۳۹۳، ۲۲۷)

فقههای شیعه، منافع مستوفات را قابل مطالبه می دانند، چه در تصرف عدوانی (مثل غصب) و چه در تصرف غیرعدوانی، مانند مالی که بر اساس یک قرارداد فاسد دریافت شده است. منافع غیر مستوفات نیز اگرچه به نظر برخی فقهاء غیرقابل مطالبه است؛ اما مشهور فقهاء آن را قابل مطالبه می دانند (انصاری، ۱۴۱۱، ۱، ۳۹۷). دلیل قائلین به ضمان منافع، اعم از مستوفات و غیر مستوفات، عموم قاعده «علی الید» است؛ زیرا اولاً منافع عموماً مال محسوب می شوند و بنابراین مستقلاً می توانند مشمول مفاد کلمه «ما» ی موصولی در حدیث علی الید باشند و ثانیاً به تبع عین، تحت سلطه و استیلائی متصرف قرار می گیرند و بنابراین در عهده متصرفند و باید به صاحبش برگردانده شوند، خواه استیفا شده باشند و خواه نشده باشند. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱، ۷۱)

همچنین از آنجا که «تفویت» منافع، مستند به عمل شخص متصرف است منافع از طریق استناد به قاعده اتلاف «در منافع مستوفات» و یا قاعده تسبیب «در منافع غیرمستوفات» قابل مطالبه است، چرا که «تفویت» عرفاً از مصادیق اتلاف محسوب می شود. هرچند که چه بسا بتوان تفویت را عنوان مستقلی برای تحقق ضمان پذیرفت. به قاعده احترام نیز می توان برای اثبات ضمان منافع خصوصاً منافع مستوفات استناد کرد. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱، ۷۲)

قانونگذار ایران نیز بر اساس قانون مدنی ایران در ماده ۳۲۰، منافع را مطلقاً قابل مطالبه دانسته و مقرر می‌دارد: «نسبت به منافع مال مغضوب هر یک از غاصبین به اندازه منافع زمان خود و ما بعد خود ضامن است اگرچه استیفاء منفعت نکرده باشد لیکن غاصبی که از عهده منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است می‌تواند به هر یک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند.» همچنین ماده ۳۲۸ قانون مدنی اتلاف منافع را موجب مسئولیت شخص تلف‌کننده دانسته و می‌گوید: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است..... اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت».

بنابراین اگر در اثر سرایت بیماری کووید ۱۹، فرد با قرنطینه و یا بستری شدن از منافع اموالش محروم شود و از این طریق، متحمل خساراتی شود، طبق دیدگاه فقهاء و نیز قانون مدنی، خسارات وارده قابل مطالبه بوده و شخص ناقل بیماری، در فرض اخفاء بیماری و ارتباط گرفتن با افراد سالم، مسئول جبران خسارات خواهد بود.

ب: خسارت معنوی

خسارت و ضرر معنوی لطمه‌ای است که به یک حق غیر مالی شخص وارد می‌آید؛ و به تعبیر دیگر، زیانی است که به صورت از کف دادن پول توسط متضرر، متجلی نمی‌گردد. (طاهری، ۱۴۱۸، ۲، ۳۴۸) نیز گفته‌اند ضرر معنوی عبارت است از هر گونه خسارت غیرمالی که در نتیجه تجاوز به حقوق مربوط به شخصیت پدید می‌آید و انواع مختلف آن مانند درد جسمی و اندوه و رنج ناشی از برهم خورد تعادل شخص یا تغییر قیافه یا تغییر شکل بدن و اندامهای آن و ناراحتی ناشی از این تغییر یا ترس از تشدید درد یا ترس از مرگ زودرس، چهره‌های گوناگون تجاوز حقوقی به حقوق شخصیت محسوب می‌گردند. بنابراین خسارت معنوی ممکن است ناشی از لطمه زدن به اعتبار و حیثیت شخص یا به صورت درد جسمی یا صدمه روحی باشد که مثلاً به علت کریه شدن چهره، یا بر اثر جریحه دار شدن عواطف و احساسات، مانند غم و اندوه ناشی از قتل یکی از خویشان نزدیک ایجاد شود. (صفایی، ۱۳۸۹،

«اگرچه ضرر معنوی، ایراد خسارت و لطمه به حقوق غیرمالی شخص است؛ اما نوعاً ضرر معنوی همراه با زیان مادی است، کمتر اتفاق می‌افتد که ضرر معنوی، همراه با زیان مادی نباشد، مثل توهین و افترا که اگرچه در وهله اول، به حیثیت و شرف شخص لطمه می‌زند، اما ممکن است به اعتبار تجاری فرد نیز لطمه وارد کرده و تعداد مشتریان را کاهش دهد». (طاهری، ۱۴۱۸، ۲، ۳۴۸) قانونگذار در «ماده ۸» قانون مسئولیت مدنی بیان می‌کند: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع، به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورده، مسئول جبران آن است، شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت، مشتریان کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر، زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید». همچنین در «ماده ۲» قانون مسئولیت مدنی به صراحت ضرر معنوی و مادی همراه با هم و نیز زیان معنوی به تنهایی پیش‌بینی شده است.

خسارت معنوی در حقوق ایران، برای اولین بار در ماده مکرر ۲۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۷ بهمن ماه ۱۳۰۴ هـ ش پیش‌بینی شد و تا سال ۱۳۷۵ این حق برای زیان دیده وجود داشت اما در اصلاحات انجام شده در مورخ ۱۳۷۵/۳/۶ هـ ش، تحت عنوان قانون مجازات اسلامی، خسارت معنوی لغو گردید. برخی حقوقدانان، در تبیین علت غیرقابل جبران بودن خسارات معنوی گفته‌اند: این قبیل خسارات قابل ارزیابی به پول نبوده و با پول نیز تحصیل نمی‌شوند. مثل حیثیت بر باد رفته انسان شریفی که هیچگاه نمی‌توان آن را با پول بازگرداند؟ «همچنین به لحاظ اخلاقی نیز شایسته نیست شخص متأثر از خسارت معنوی از دادگاه مطالبه پول نماید». (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۱، ۲۰۰) لازم به ذکر است افرادی که قائل به غیرقابل مطالبه بودن ضرر معنوی هستند مقصودشان، خسارات معنوی است که موجب خسارت مادی نگردد، و الا هرگاه خسارت معنوی، موجب خسارت مادی شود، عامل زیان مسئول جبران خسارات مادی ناشی از آن می‌باشد. (امامی، بی تا، ۴، ۲۷۳) در مقابل عده‌ای از

دانشیان حقوق بدون جبران مانندن خسارات معنوی را خلاف انصاف و عدالت قضائی می‌دانند. (امامی، بی تا، ۴، ۲۷۳)

با این وجود امروزه در قوانین موضوعه، لزوم جبران ضررهای معنوی پذیرفته شده، هر چند برخی زوایای آن هنوز ابهاماتی دارد. در قوانین ایران، قانون مسئولیت مدنی در مواد یک، دو، هشت و ده و نیز قانون آیین دادرسی کیفری در ماده نه و قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل یکصد و هفتاد و یک، خسارات معنوی را قابل مطالبه دانسته‌اند. بر اساس اصل یکصد و هفتاد و یک قانون اساسی، «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است، و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». همان‌گونه که روشن است این اصل به صراحت جبران خسارت معنوی را همانند خسارت مادی الزامی دانسته شده است. قوانین کشورهای اروپایی نیز اینگونه خسارات را قابل مطالبه می‌دانند. به عنوان مثال ماد «۹۳» قانون مدنی سوئیس اجازه مطالبه این گونه خسارات را داده است و بدادرس اجازه می‌دهد که بتواند آن را به پول با توجه به اوضاع و احوال امر تقویم نماید. (امامی، بی تا، ۴، ۲۷۳)

البته با توجه به نظریه فقهی تفسیری شورای نگهبان در مورد خسارت معنوی که این شورا در مورد ماده ۳۰ طرح قانون مطبوعات مصوب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۶۴ مقرر داشته است: «در تبصره ۱ ماده ۳۰ که طرح دعوی خسارات معنوی مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی آن شده، تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی مغایر موازین شرعی است. البته رفع هتک حرمت و توهین که به شخص شده به طریق متناسب با آن در صورت مطالبه ذی حق لازم است» (مدنی، ۱۳۶۷، ۴، ۳۸۱)، باید گفت تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی جایز نیست. با این وجود بر اساس بند پایانی این نظریه، می‌توان گفت جبران مالی برای رفع آثار اشکالی ندارد

و لذا می‌بایست جبران خسارت معنوی در مواد قانونی را حمل بر «جبران غیرمالی» و یا «جبران مالی برای رفع آثار» نمود. (رهپیک، ۱۳۹۰، ۵۱)

با توجه به مباحث فوق، چنانچه شخص آسیب دیده از سرایت بیماری کووید ۱۹، خسارات معنوی قابل اثباتی دیده باشد، باید به نحو مقتضی این خسارات توسط شخص ناقل بیماری، در صورت وجود شرایط مذکور، جبران شود. همچنین است اگر این خسارات معنوی، موجب خسارات مادی شود یا آنجا که برای رفع آثار آن، هزینه مادی لازم است.

ج: خسارت از کارافتادگی

در برخی موارد ممکن است ابتلا به بیماری کووید ۱۹، باعث شود شخص بیمار برای همیشه یا مدتی از کار افتاده شده و توانایی انجام کار را از دست بدهد و در نتیجه از تأمین هزینه‌های معمول زندگی خود و نفقه افراد تحت تکفلش ناتوان شود. سؤال این است که حکم اینگونه خسارات چیست؟ آیا چنین خساراتی باید جبران شود یا خیر؟

آنگونه که از کلام فقهاء فهمیده می‌شود در صورتی که شخص مصدوم کارگر و یا مستخدم شخص و یا سازمانی است بدون شک باید خسارت از کارافتادگی او پرداخت شود زیرا با انعقاد قرارداد، منافع مستخدم، به صورت بالفعل مالیت پیدا کرده و از بین بردن آن، اتلاف مال تلقی شده و با توجه به ادله ضمان باید جبران شود. «اما چنانچه شخص مصدوم، در استخدام کسی نباشد و به صورت شغل آزاد، مشغول به فعالیت باشد، فقهاء از آن خسارت به «خسارت عدم النفع» تعبیر نموده‌اند و برخی معتقدند که اگرچه عرفاً عنوان ضرر بر آن صدق می‌کند (خوانساری، ۱۳۷۳، ۱۹۹) اما اتلاف مال بر آن صادق نیست و لذا مشمول قاعده اتلاف و تسبیب نمی‌گردد». (وحدتی شبیری، ۱۳۹۰، ش ۸۷، ۲۵۶) در مقابل برخی از فقهاء در مسأله «حبس حرّ کسوب؛ شخص آزاد کاسب»، به حکم عقلاء، قائل به ضمان شده‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۱، ۳۷) که می‌توان از این حکم، تنقیه مناط نمود و گفت سیره عقلاء بر ضمان در مسأله «حبس حرّ مکسوب» خصوصیتی نداشته و از این باب است که در

نظر آنان هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند، لذا معیار حکم، محرومیت از کار است، خواه به دلیل وقوع جنایت از سوی عامل زیان و خواه به دلیل حبس و زندان بر اثر طرح دعوای واهی نزد حاکم (وحدتی شبیری، سامانی، ۱۳۹۵، ۳۳) و خواه در اثر ابتلای به ویروسی مثل ویروس کرونا. بنابراین در ما نحن فیه نیز عامل ورود صدمات جسمی ناتوان کننده، ضامن است. «علاوه بر اینکه فقهایی که به «قاعده لاضرر» برای اثبات ضمان مالی استدلال کرده‌اند، این قاعده را سبب مستقلى برای اثبات مسئولیت مدنی در کنار قاعده اتلاف و تسبیب دانسته‌اند و از آنجا که در عرف محرومیت از کار، ضرر تلقی می‌شود باید خسارات از کارافتادگی جبران شود».

(وحدتی شبیری، ۱۳۹۰، ش ۸۷، ۲۵۶)

نتیجه

با توجه به قواعد و قوانین حقوقی و عمومات فقهی هیچ کس مجاز به ورود ضرر و زیان به دیگری نیست و در صورت ورود ضرر و زیان، موظف به جبران خسارات وارده می‌باشد. انتقال بیماری کووید ۱۹ به دیگران نیز از این قاعده مستثنا نیست و چنانچه شخص مبتلا به بیماری مسری کووید ۱۹، با مخفی کردن بیماری خود و ارتباط گرفتن با فرد یا افرادی سالم - بدون رعایت نکات بهداشتی - موجب سرایت این بیماری به آنها شود و از این طریق خساراتی به آنها وارد نماید، با توجه به قواعد فقهی تحذیر، اتلاف، تسبیب و لاضرر، و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، نسبت به جبران خسارت وارده مسئول است. همچنین دامنۀ این مسئولیت با توجه به ادله فقهی، خسارات عدم النفع، تفویت منافع، خسارات معنوی و نیز خسارات از کارافتادگی را شامل می‌شود.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۲. اصفهانی، شیخ الشریعہ، فتح اللہ بن محمد جواد نمازی، قاعدہ لا ضرر (لشیخ الشریعہ)، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
۳. امامی، سید حسن، مسئولیت مدنی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران، ش ۱، ۱۳۵۲.
۴. امامی، سید حسن، حقوق مدنی (امامی)، ۶ جلد؛ انتشارات اسلامی، تهران - ایران، ه.ق.
۵. امیری قائم مقامی، عبد المجید، حقوق تعهدات، ج ۱، چاپ سوم، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۵ ه.ش.
۶. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، رسائل فقیهہ (للشیخ الأنصاری)، در یک جلد، رساله فی قاعدہ نفی ضرر، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۷. ایزانلو، محسن، کاتوزیان، ناصر، مسوولیت مدنی، ج ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۸. بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی، القواعد الفقیهہ (للبنجنوردی، السید حسن)، ۷ جلد؛ ج ۱، نشر الہادی، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ ه.ق.
۹. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، قواعد فقیهہ (بجنوردی، سید محمد)، ۲ جلد؛ ج ۱، سوم، مؤسسه عروج، تهران - ایران، ۱۴۰۱ ه.ق.
۱۰. تبریزی، جواد بن علی، إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب، ۴ جلد؛ ج ۱، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، سوم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ ۱۸، تهران، ۱۳۸۶.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، وسیط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.

۱۳. حائری طباطبائی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل (ط - القدیمه)، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ه.ق.
۱۴. حسینی نژاد، حسین قلی، مسئولیت مدنی، چاپ اول، مجتمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۷۷.
۱۵. حق شناس، علی محمد، سامعی، حسین، انتخابی، نرگس، فرهنگ معاصر هزاره، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۷.
۱۶. خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع (للإمام الخمينی)، ۵ جلد؛ ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران - ایران، اول، ۱۴۲۱ ه.ق.
۱۷. خوانساری، موسی بن محمد نجفی، رساله فی قاعده نفی الضرر (للخوانساری)، در یک جلد، المکتبه المحمديه، تهران - ایران، اول، ۱۳۷۳ ه.ق.
۱۸. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مصباح الفقاهه (المکاسب)، ۷ جلد؛ ج ۲، ص: ۳۶، ه.ق.
۱۹. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - القدیمه)، ۳ جلد؛ ج ۱، منشورات دار الذخائر، قم - ایران، اول، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱۲، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، بهار ۱۳۷۳.
۲۱. رشتی گیلانی، نجفی، میرزا حبیب الله، کتاب الغصب (للمیرزا حبیب الله)، ج ۱؛ بی نا، بی جا، بی تا، شرایط تأثیر تسبیب در ضمان.
۲۲. رهپیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبرانها، چاپ چهاردهم، انتشارات خرسندی، تهران، ۱۳۹۰.
۲۳. رهپیک، سیامک، دیدگاههای حقوق قضایی - پاییز و زمستان ۱۳۷۹ - شماره ۱۹ و ۲۰.
۲۴. صالحی مازندرانی، محمد، بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظامهای حقوقی، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۱.

۲۵. صفایی، حسین، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۹.
۲۶. ضیایی بیگلری، محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، گنج دانش، چاپ نوزدهم، تهران، ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۷. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی (طاهری)، ۵ جلد، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۸ ه.ق.
۲۸. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط - الحديثه)، ۲۳ جلد؛ ج ۱۸، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ ه.ق.
۳۰. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (المحشی - کلاتر)، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
۳۱. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
۳۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۳ جلد، ج ۳، چاپ نخست، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش.
۳۳. قربان نیا، ناصر، مطالعه ای پیرامون مسئولیت مدنی دولت در فقه امامیه و حقوق موضوعه، نامه مفید، بهار ۱۳۷۷، شماره ۱۳.
۳۴. کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، ج ۱، قواعد عمومی، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ه.ش.
۳۵. کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۹.
۳۶. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، مسئولیت قراردادی، اجرای عقد و عهد شکنی، انتشارات بهنشر، چاپ اول، دی ماه ۱۳۶۸.

۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۸. لطفی، اسد الله، سلسله مباحث فقهی حقوقی مسئولیت مدنی، انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
۳۹. لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتري، چاپ اول، نشر حقوقدان، زمستان ۱۳۷۵.
۴۰. محقق خراسانی، مباحث مطلق و مقید در کتب اصولی مفصل؛ کفایه الاصول، بحث مطلق و مقید، (در حقایق الاصول، تعلیقه سید محسن حکیم)، ج ۱. بی تا
۴۱. محقق داماد یزدی، سید مصطفی، قواعد فقه (محقق داماد)، ۴ جلد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران - ایران، دوازدهم، ۱۴۰۶ ه.ق.
۴۲. مدنی، جلال الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۴، سوم، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۶۷.
۴۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ۳ جلد، ج ۳، چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ه.ش.
۴۴. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد؛ ج ۳۷، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۴۵. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، در یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۷ ه.ق.
۴۶. وحدتی شبیری، سید حسن، «مبنا و قلمرو خسارت مازاد بر ديه»، نشریه فقه و اصول - پاییز و زمستان ۱۳۹۰ - شماره ۸۷.
۴۷. وحدتی شبیری، سید حسن، سامانی، احسان، ابعاد حقوقی فاجعه منا، انتشارات حج و زیارت، چاپ اول، قم، ۱۳۹۵.
۴۸. وحدتی شبیری، سید حسن، سامانی، احسان، نگرشی بر نوع مسئولیت دولت در قبال اعمال کارکنان خود، فصلنامه دین و قانون، ش ۱۴، ۱۳۹۵.
۴۹. یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ج ۱، چاپ اول، نشر میزان، زمستان ۱۳۸۶.